

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۱۲ فیبروری ۲۰۲۴



محمد محق

نشانه شناسی تعامل با طالبان بر پایه انتقاد مردم از نخبگان

یکی از پدیده‌های توجه برانگیز در فضای سیاسی افغانستان تابو شدن تعامل با طالبان است به ویژه از سوی چهره‌هایی که دارای نام نیک و جایگاه اجتماعی‌اند، به گونه‌ای که به محض حضور یافتن کسی از آنان در کنار کسی از طالبان موج گسترده‌ای از انتقادهای شدید در میان شهروندان افغانستان در سراسر جهان به راه می‌افتد و آنان را وادار به عذرخواهی می‌کند. این موضوع باعث شده است که کمتر چهره و زین و معتبری در عرصه عمومی جرأت کند در کنار افراد طالبان قرار بگیرد، حتی اگر این حضور در شرایط عادی و به دور از هر گونه قصد همکاری باشد، چه رسد به این‌که به قصد تسلیم شدن به این گروه و بیعت با آن رخ بدهد، که فوراً به طرد اجتماعی‌اش می‌انجامد. به عکس، کوچکترین انتقاد از این گروه در عرصه عمومی در این شرایط محبوبیت می‌آورد به سان سخنان اخیر آیت الله واعظ زاده و مولوی عبدالشکور قندوزی.

دو رویدادی که پرده از این وضعیت برداشت و حساسیت‌برانگیز بودن هر گونه نزدیکی با طالبان را، حتی به صورت ناخواسته و اتفاقی، آشکار کرد یکی حضور محمد کاظم کاظمی در فونسلگری افغانستان در مشهد و دیگری حضور امیرجان صبوری در سفارت افغانستان در تاشکند بود. محمد کاظم کاظمی، از شاعران برجسته زبان فارسی که فراتر از مرزهای افغانستان، در تمامت قلمرو زبان و ادبیات فارسی معاصر جایگاه شایگانی دارد، به جلسه‌ای اشتراک کرد که در آن امیرخان منقی، وزیر خارجه طالبان حضور داشت. با آن‌که آقای کاظمی در آن جا تنها در حد مستمع حضور یافته بود و هیچ سخنی نگفت و کاری به نشانه حمایت از طالبان نکرد، اما محض این اشتراک در آن جا موج بشدت گسترده‌ای از انتقاد را متوجه وی گردانید و این موضوع در رسانه‌های خارجی و داخلی بازتاب منفی یافت، تا جایی که ایشان مجبور گردید رسماً به دفاع از خود برخیزد و هر گونه نسبتی میان خود و طالبان را منتفی بداند. امیرجان صبوری، خواننده و آهنگساز پرآوازه افغانستان که از شهرت و محبوبیت کافی در میان فارسی‌زبانان جهان برخوردار است، هنگامی که برای تودیع سفیر پیشین افغانستان به سفارت رفت و سپس در عکس‌هایی دیده شد که نماینده طالبان

نیز حضور داشت، موج دیگری از انتقادهای شدید به راه افتاد و این کار خیانت به هنر و رسالت هنرمندان تلقی شد. آقای صبوری که عادت به اظهار نظر در امور اجتماعی و سیاسی ندارد، این بار ناچار گردید، برای تبرئه خود از اتهامات و انتقادات، واکنش نشان داده و با توضیحاتی در باره علت حضور خود در آن مراسم نشان بدهد که هیچ نسبتی با طالبان ندارد. او تأکید کرد که به هنر همانند گذشته تعهد دارد و از رسالت خود دست نمی‌کشد، و معنایش این بود که با هنرستیزی طالبان مخالف است و موضعش در این زمینه تغییری نکرده است.

در بگومگوهای گسترده‌ای که در این زمینه به راه افتاد، شماری از باسوادان البته به دفاع از آقایان کاظمی و صبوری پرداختند و محض حضور آنان را جرمی ندانستند که سزاوار این پیمانان از انتقاد باشد. شماری به کارنامه درخشان این دو در عرصه ادبیات و هنر اشاره کردند و گفتند که چنین لغزش کوچکی نمی‌تواند سبب شود که آن کارنامه ارزنده از نظر بیفتد و جایگاه آنان تنزل یابد. در مقابل، منتقدان تأکید بر این داشتند که محبوبیت از آدرس ادبیات و هنر مسؤلیت می‌آورد، و کمترین مسؤلیت مرز کشیدن بی‌پرده میان خود و گروهی است که دشمنی‌اش با هنر، ادبیات و فرهنگ انکارناپذیر است. منتقدان می‌گفتند حضور یافتن در کنار طالبان و با سکوت گذاشتن از کنار گروهی که دشمنی با زبان فارسی و ستیز با هنر و موسیقی را رسالت و بخشی از مؤلفه‌های هویت خود می‌داند، نوعی خیانت به شعر و ادب فارسی و به مثابه دست کشیدن از تعهد به هنر و فرهنگ و سپر انداختن در برابر دشمن است.

هدف از این یادداشت داوری در باره درستی موضع منتقدان یا مدافعان نیست، زیرا خوانندگان خود به حد کافی در روزهای گذشته شاهد این استدلال‌ها بوده‌اند، بلکه هدف این است که به ناهمساز بودن طالبان با بافت جامعه افغانستان به ویژه در عرصه‌های شعر، ادب، هنر و فرهنگ اشاره شود. این نشان می‌دهد که حتی اگر در عرصه سیاست و امنیت با دها به سمتی بوزد که قدرت‌های منطقه‌ئی و جهانی راه تعامل با این گروه را در پیش بگیرند، چنان‌که در دو سال و نیم گذشته دیده شد، در عرصه افکار عمومی افغانستان وضعیت به عکس است و هر گونه بی‌احتیاطی در تعامل با طالبان می‌تواند به مرگ اجتماعی محبوب‌ترین چهره‌ها بینجامد. موج گسترده انتقادها نشان داد که افکار عمومی در افغانستان به حدی از طالبان گریزان است و نسبت به این گروه و کارنامه خشونت‌بار و آکنده از تبعیض آن خشم دارد که با هیچ کسی مماشات نخواهد کرد و دوست‌داشتنی‌ترین شخصیت‌هایش را نیز، اگر گامی حتی نرم به سوی طالبان بردارند، سزاوار بخشش نخواهد دانست.

رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی پرطرفدار در فضای مجازی که زمینه آگاهی‌دهی و اطلاع‌رسانی را نسبت به گذشته به شدت متحول کرده است، علی‌رغم کاستی‌ها، این مزیت ارزشمند را دارد که راهی به بازتاب افکار عمومی را گشوده است. در گذشته رسانه‌های حکومتی و بنگاه‌های خبری‌راکنی انحصار روایت‌سازی را در دست داشتند و مطابق با سیاست دولت‌ها به برساختن روایت‌ها اقدام می‌کردند، و از این رو در دوره نخست طالبان راهی به آگاهی از دیدگاه مردم وجود نداشت. این بار شرایط بسیار متفاوت است و در خلال چند ساعت می‌توان دانست که موضع مردم نسبت به یک گروه یا تعامل با آن چیست. افکار عمومی از این طریق این قدرت را پیدا کرده است که بدون منتظر ماندن به موضع رسمی دولت‌ها موضع خود را اعلان کند. افکار عمومی در میان شهروندان افغانستان، علی‌رغم سرکوب شدید و خطری که اظهار نظر دلیرانه در پی دارد، این توانایی را از طریق شبکه‌های اجتماعی پیدا کرده است که خود محکمه‌ای را برپا کند و هر کسی را که تبعیض در افغانستان را نمی‌بیند، یا زن‌ستیزی طالبان را نادیده می‌انگارد، یا فارسی‌ستیزی آن را از نظر می‌اندازد، یا دشمنی‌اش با هنر و ادبیات را ناچیز و امی‌نماید، به محاکمه بکشاند و ترحمی نشان ندهد.

این قدرت افکار عمومی شماری از چهره‌های مشکوک دوران جمهوریت را که با طالبان بیعت کردند به سکوت و انزوا کشاند تا جایی که پس از دو سال هنوز جرأت نمی‌کنند در هیچ مجمع عمومی آشکار شوند. همچنان شماری از چهره‌های وابسته به سایر اقوام را که به ادعای تعامل با طالبان در خدمت این گروه قرار گرفتند از خشم همگانی واقف کرد تا پیوسته از راه‌های پنهان به دیگران پیام بدهند که تعامل‌شان با این گروه یک تاکتیک موقتی بوده و پس به آغوش مردم خود برخواهند گشت. واکنش‌های مردمی به چهره‌های محبوب ادبی و هنری، حتی اگر با تندی همراه بود، از سوی دیگر این خوبی را داشت که بیداری افکار عمومی را به نمایش گذاشت و پرهزینه بودن تعامل با طالبان را نشان داد حتی اگر در حد سکوت باشد.

اگر به نشانه‌شناسی افکار عمومی اهمیت بدهیم طالبان در شرایط کنونی مانند جدامیان عرصه سیاست به نظر می‌رسند که هر شخص محبوب و آبرومندی از نزدیکی با آنان خودداری می‌کند و اگر کسی ندانسته پایش به محفل این گروه می‌لغزد بزودی توبه نامه‌اش را می‌خواند تا همه کارنامه‌اش را یک شبه برباد ندهد. این نشانه شناسی نویدبخش است.